

عواقب خشونت بار: انتخابات ۱۳۸۸ و سرکوب مخالفان در ایران

بهمن ۱۳۸۸

چکیده

در ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، یکروز پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران، تظاهرات در شهرهای سراسر ایران در گرفت. تظاهرکنندگان علیه آنچه به عنوان یک تقلب گسترده می‌دیدند اعتراض کردند-فریادهای «رأی من کجاست؟» همه جا طنین افکند. شورای نگهبان فقط به چهار تن اجازه شرکت در مبارزات انتخاباتی را داده بود: محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور وقت؛ محسن رضائی، فرمانده اسبق سپاه پاسداران انقلاب که یک محافظه کار به شمار می‌رفت؛ میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق ایران در دوران جنگ با عراق که اصلاح طلب محسوب می‌شد؛ و مهدی کروبی، سخنگوی پیشین مجلس و نیز یک اصلاح طلب.

موسوی پیروزی خود را در ساعات آخر روز انتخابات اعلام کرد. دولت فوراً اعلام نمود که احمدی‌نژاد با کسب ۶۲ درصد آراء پیروز شده است. همچنین در واکنش به این جریان، رژیم خطوط ارتباطات الکترونیکی داخل ایران و نیز ارتباط با جهان خارج را قطع نمود. تا پایان هفته، تلفنهای همراه و خدمات اینترنتی مرتباً قطع شده و یا سرعت آنها کاهش می‌یافت. در روز ۲۶ خرداد، مقامات اعلام کردند که خبرنگاران خارجی اجازه ندارند از خیابانها گزارش تهیه کنند و ویزای آنها نیز تمدید نخواهد شد. صدها تن از خبرنگاران داخلی و اعضاء مطبوعات دستگیر و ارباب شدند.

علیرغم تمام این تلاشها، در طول خرداد و اوایل تیرماه، تقریباً هر روز تظاهرات در سراسر کشور ادامه داشت. حداقل در یک مورد، جمعیت تظاهرکنندگان به میلیونها نفر رسید. در پاسخ به اعتراضات، دولت تأیید کرد که احمدی‌نژاد در انتخابات پیروز شده و نیروهای افسار گسیخته سپاه (به فرماندهی محمد علی جعفری) و بسیج (به فرماندهی حسین طائب) را به جان مردم انداخت. همان قدر که جمعیت مردم افزایش یافته و آنها در مطالبه حقوق خود برای برگزاری تجمع آرام پافشاری می‌کردند، نیروهای امنیتی نیز بر میزان خشونت خود می‌افزودند. تظاهرکنندگان در خیابانها مورد حمله، ضرب و شتم، و اصابت گلوله قرار می‌گرفتند. بسیاری از راه پیمایان در خیابانها کشته شدند. هزاران تن به طور خودسرانه دستگیر شدند-قوه قضاییه گزارش کرد که ۴,۰۰۰ تن در هفته‌های نخست دستگیر شدند. نهایتاً تظاهرات روزمره پس از یک سرکوب بسیار شدید در روز ۳۰ خرداد، که طی آن حداقل سی تن کشته شدند، کاهش یافت.

با وجود این، تظاهرکنندگان در طول تابستان و تا رسیدن زمستان در روزهای یادبود و بزرگداشت‌های عمومی به خیابانها ریخته و نیروهای امنیتی هم به سرکوب و وحشیانه هرگونه بیان نارضایتی ادامه دادند. اعتراض به آنچه که تقلب در انتخابات نامیده می‌شد تدریجاً تبدیل به ابراز مخالفت گسترده‌تری از نارضایتی از حکومت گردید. در طی فقط چند ماه، تمرکز اعتراضات نسبت به انتخابات کمتر شده و بیشتر متوجه ماهیت سرکوب و خفقان عمومی رژیم گردید. گزارش شده است که روز ششم دیمه، روز عاشورا، صدها تن از تظاهرکنندگان دستگیر شدند.

رژیم ایران همچنین به دستگیری افرادی پرداخت که از تظاهرکنندگان نبودند اما به راه اندازی «انقلاب مخملی» متهم شدند. شمار دقیق بازداشتها هنوز معلوم نیست اما شواهد حاکی از آن است که صدها تن صرفاً به دلیل استفاده از حق برخورداری از انجمن، دستگیر و زندانی شدند. این بازداشتها بخشهای وسیعی از جامعه مدنی، از جمله رهبران و اعضاء گروه‌های سیاسی مخالف و اقلیت، اعضاء تشکیلات سیاسی، حقوقدانان، دانشجویان و دانشگاہیان را در بر می‌گرفتند. این بازداشتها در طول زمستان نیز ادامه یافت.

بسیاری از بازداشت‌شدگان مورد تهدید قرار گرفتند و پس از چند روز آزاد شدند. اما با این حال بسیاری دیگر در زندان با شکنجه، تجاوز جنسی، و مرگ مواجه شدند. بازداشت‌شدگان تحت حبس انفرادی، بازجوییهای دراز مدت، ضرب و شتم، تجاوز و انواع دیگر شکنجه قرار داشته و دارند. بسیاری از آنها مجاز به برقراری تماس با خانواده یا وکلای خود نیستند و بسیاری دیگر با اعمال فشار مجبور به انجام اعترافات علنی شده‌اند. برخی از تظاهرکنندگان به بازداشتگاه کهریزک فرستاده شدند و با آنها چنان وحشیانه رفتار شد که دولت دستور بستن کهریزک و انتقال زندانیان به اوین و سایر زندانها را داد. سه تن از بازداشت‌شدگان کهریزک به علت عدم مراقبتهای پزشکی در راه انتقال به زندان اوین یا اندکی پس از ورود به اوین جان دادند. به خانواده‌های بسیاری از تظاهرکنندگان و بازداشت‌شدگان کشته شده، اجازه برگزاری مراسم تدفین مناسب برای عزیزان آنها داده نشد.

روز دهم مرداد، اولین محاکمه گروهی و فرمایشی در تهران آغاز شد. دو محاکمه نخست از تلویزیون ایران پخش شد و صدها زندانی آشفته و نامرتب را نشان داد که ملبس به لباسهای پیژامه‌وار زندان بوده و چهره‌های گیج و مبهوت داشتند. اگرچه لیست متهمین هرگز به صورت عمومی اعلام نشد اما چهره بسیاری توسط مردم قابل تشخیص بود، از جمله محمد علی ابطحی، معاون رئیس جمهور سابق، و دکتر محسن میردامادی، دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی. این محاکمات گروهی و فرمایشی، طبق قوانین ایران یا حقوق بین‌الملل، شباهت چندانی به محاکمات جنایی نداشت. در مورد هر کدام از متهمین، دادستان یک سند سیاسی را قرائت می‌کرد که متهمین و دیگران در خارج از ایران از جمله دولتهای خارجی را، به برپایی «انقلاب مخملی» متهم می‌نمود. به دنبال خواندن این متون، بعضی از متهمین که قبلاً انتخاب شده بودند اعتراف می‌کردند.

از اوایل مرداد ماه، بازداشت‌شدگان در تلویزیون نیز ظاهر شده و به جنایاتی مربوط به امنیت ملی، عضویت در سازمانهای تروریستی و توطئه و همدستی با قدرتهای خارجی اعتراف می‌کردند. روز ۱۳ مهر، دولت شروع به اعلام احکام این افراد کرد. چهار حکم نخست اعدام بود که متعلق به مردانی بود که پیش از انتخابات دستگیر شده بودند. از تاریخ دهم دی ماه تاکنون حداقل یکصد مجازات حبسهای طولانی مدت، شلاق، یا تبعید اعلام شده است. اما تاکنون هویت بسیاری از افرادی که زندانی و محاکمه شده‌اند، نامعلوم باقی مانده است.

این نخستین گزارشی است که سرکوب وحشیانه مخالفان پس از ۲۲ خرداد توسط حکومت ایران را مستند نموده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. به منظور آماده کردن این گزارش برای انتشار در موعد مقرر، فقط وقایع تا دهم دی ماه ۱۳۸۸ تحت پوشش قرار داده شده است. با این حال، اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی رو به تشدید است و مرکز اسناد حقوق بشر ایران واقف است که طی هفته‌ها، ماه‌ها، و سالهای آتی، جزئیات بیشتری از این فجایع آشکار خواهند شد.

این گزارش با شرح مختصری از انتخابات ریاست جمهوری آغاز می‌شود و به دنبال آن فهرستی از سرکوب سبانه تظاهرات توسط رژیم، ارایه می‌شود. امتناع رژیم از صدور مجوز برای تظاهرات گروه‌های مخالف، اعمال شدید زور و فشار برای سرکوب تظاهرات، و به قتل رساندن تظاهرکنندگان، حقوق تظاهرکنندگان برای برخورداری از آزادی برگزاری تجمع، محافظت در برابر اعمال شدید زور توسط قوای اجرایی، و حق حیات را مطابق قانون ایران و حقوق بین‌الملل، نقض کرده است. کشتن تظاهرکنندگان همانا قتل عمد است.

بخش سوم این گزارش، دستگیریهای خودسرانه تظاهرکنندگان و رفتار وحشیانه‌ای که بر خلاف قوانین ایران و حقوق بین‌الملل با آنان شد را شرح می‌دهد. تظاهرکنندگان بدون داشتن هیچگونه اتهامی زندانی شدند و هنگامی که در بند بودند از تشریفات حقوقی اساسی همچون تماس با خانواده و وکلای خود بهره‌مند نشدند. با زندانیان بد رفتاری شد، از مراقبتهای پزشکی محروم بودند، مورد ضرب و شتم، تجاوز و شکنجه قرار گرفتند و به قتل رسیدند. همچنین عدم اطلاع‌رسانی رژیم به خانواده‌های زندانیان درباره محل نگهداری عزیزان آنها، ناپدید کردن اجباری و نقض حقوق بین‌الملل می‌باشد.

در ادامه بخشی است که شرحی از دستگیری و حبس یک سلسله مبسوط از جامعه سیاسی و مدنی ایران را عرضه می‌کند. دستگیریها، بازجوییها و شکنجه افرادی که در تظاهرات شرکت نداشتند، قوانین ایران و حقوق بین‌الملل را زیر پا گذاشت، درست به همان دلیلی که اینگونه اعمال حقوق تظاهرکنندگان را نادیده گرفت. زندانیان سیاسی برای مدتهای مدید در بند نگاهداشته شدند، اغلب در حبس انفرادی بودند، و کمتر به مشاور حقوقی دلخواه خود دسترسی داشتند. آنهایی که اجازه استفاده از مشاوره حقوقی را داشتند فقط توانستند تماسهای کوتاهی با وکلای خود داشته باشند. اگر معلوم بشود که این شکنجه‌ها، قتلها، یا ناپدید شدنهای اجباری در سطح وسیع، سیستماتیک، و با اطلاع و آگاهی مرتکبین صورت گرفته است، هر یک از آنها جنایت علیه بشریت نیز به حساب خواهند آمد.

آخرین بخش این گزارش به شرح پنج محاکمه گروهی فرمایشی و تعیین احکام برای تظاهرکنندگان و فعالان می‌پردازد. به تماشا گذاشتن زندانیان در این محاکمات گروهی فرمایشی و سپس تعیین مجازات برای بازداشت‌شدگان، قوانین ایران و حقوق بین‌الملل را نقض نمودند، چه هر دوی این قوانین انجام تشریفات قانونی اساسی از جمله فرض بر بیگناهی، و حق داشتن وکیل منتخب متهم و ممنوعیت تکیه بر اعترافات اجباری در دادرسی کیفری را واجب می‌دانند.

مسئولیت این موج سرکوب وحشیانه با سران رژیم آغاز می‌گردد که در رأس آنها رهبر و سپس محمود احمدی‌نژاد، رؤسای سازمانهای اجرایی از جمله سپاه و بسیج و نیروی انتظامی (ناجا)، و رؤسای قوه قضائیه قرار دارند. این سلسله مراتب در رده‌های پایین‌تر به بسیجیهای موتور سواری که راهپیمایان را در کوچه و خیابانها هراسانده، نگهبانان سادیستی زندانها و دیگرضابطین قوه قضائیه می‌رسد. این مرتکبین و افراد مافوق آنها مطابق قوانین ایران و جهان مسئول می‌باشند.

اکثر مطالبی که در این گزارش ارائه شده از سی و دو مصاحبه‌ای بر گرفته شده که توسط این مرکز با فعالان، متخصصان و قربانیان این سرکوب حکومتی انجام گرفته است. بیشتر آنها خواسته‌اند که به دلایل امنیتی گمنام باقی بمانند. با توجه به تلاشهای متمرکز رژیم ایران برای پنهان و مخدوش نمودن این اتفاقات، این گزارش همچنین به تجزیه و تحلیل و مقایسه سخنان شهود با گزارشهای مندرج در مطبوعات رسمی ایران و جهان می‌پردازد.